

میہن فدا محشور



لٹا منگیشکر

بہ بہانہ **ہشتاد** سالگی

LATA MANGESHKAR 80



بانو اندهیرا گاندهی، فرهیخته زن خاورزمین، یگانه فرزند

جواهر لال نهرو، بزرگمرد تاریخ معاصر نیم قاره، با نومی که لانه ی شر و تجاوز یعنی پاکستان را تجزیه نمود، در گفت و شنیدی با خبرنگاران در سال ۱۹۸۲ ترسایگی گفته بود: " آنچه که ما داریم دیگران نیز دارند ولی دو چیز ما را هیچ کس در جهان ندارد، آندو **لنا منگیشکر و تاج محل** میباشند."

اگر آخرین آهنگهای این بانوی بی همتا را بشنوی گمان میکنی که از حنجره دوشیزه جوانی سرود دلپذیری گوشهایت را مینوازد.

آری لنا منگیشکر، این بلبل خوش الحان دنیا، هفتم میزان سالروان خورشیدی، هشتاد سالگی خود را در حالی جشن گرفت که دارای چار ریکارد جهانی در موسیقی بوده و یک عشق ناکام و نافرجام را پشت سر گذاشته است. نام و آواز لنا جی (درین نوشته به همین نام یاد خواهد شد) نه تنها در کشور ما که در منطقه، آسیا و حتی در جهان نا آشنا نیست. نسلهای به دنیا آمده در دهه های بیست و سی و چهل خورشیدی آهنگ "گهر آیا میرا پردیسی - پیاس بچی میری اکین کی" (یار مسافرم به خانه آمد و عطش دیده گانم را فرو نشاند) درحالیکه اکثرا"

معنا یش را نمیدانستند نسبت دلپذیر و مستانه بودنش، میپسندیدند و زمزمه میکردند. این آهنگ را لنا جی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی برای فیلم آواره که نرگس هنر پیشه نامدار بالیوود آنرا "لبسنگ" کرده بود، سروده است.

خاطرات لیسه حبیبیه، جاده مندوی، دکانهای عاریتی پل باغ عمومی و... پسانتر میایند. ولی آیا میدانید که لتاجی، کسیکه آوازش زنگ از دلها و غم از خاطرها میزدود و میزداید، در ابتدا هنگام مراجعه به بالیوود، از طرف کارگردانان فیلم و موزیک سازان با این ایراد که صدایش بسیار "زیر" و نازک است باخشم و استهزا رد گردید؟ پس بخوانید:

زندگینامه لتاجی :-

لتا منگیشکر نخستین فرزند دومین همسر دینانات منگیشکر بروز ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۲۹

ترسایبی در محله سیک شهرک اندور ایالت مدهیا پردیش به دنیا آمده مادرش

سهدا متهی نام داشت.

پدرش اصلاً از شهر goa (گوا)، از متصرفات پرتگال در آنوقت بود. لتاجی سه خواهر و یک برادر داشت.

پدر لتاجی که خود هنرمند ناتک و تیاتر بود، او را به سن پنج سالگی در تیاتر به کار گماشت و او تمرین آوازخوانی را نیز در همین وقت شروع کرد. لتاجی همزمان که در سنگیت ناتک کار میکرد اولین درسهای موسیقی را نزد پدرش میآموخت. پدرش از همان ابتدا مخالف آوازخوان شدنش در فیلمها بود.

لتاجی اولین آهنگ خود را به زبان مراتهی برای فلمی بنام kuti hasal در آغاز سال ۱۹۴۲ ترسایبی سرود، ولی در آخرین لحظات آوازش از فلم حذف گردید.

پدر لتاجی در سال ۱۹۴۲ از یک بیماری قلبی بمرد و مسوولیت تمام فامیل بدوش او گذاشته شد. او برای روزی رسانی به خانواده، تصمیم گرفت که با ادای نقش های کوچکی در فیلمهای مراتهی و هندی امرار معاش نماید. ولی دست آوردش درین گستره ناچیز بود.

لتاجی که بعدها نامهای چون ملکه میلودی، بلبل دنیا و ... را کمایی کرد و هنرمندی گردید که هیچکس را توان رقابت با او نبود، در حال فقر و تنگدستی در تلاش روزی بود.

او در سال ۱۹۴۵ ترسایبی، با میانجیگری و واسطه غلام حیدر، نزد mukar ji . s رفت. حیدر از مکرچی تقاضا نمود که در فلم هایش یکی دو آهنگ لتاجی را قبول کند. نامبرده پس از شنیدن آواز لتاجی با خشم و سبکسری آنرا رد نمود. خود لتاجی طی گفت و شنودی یکروز پیش از جشن هشتادمین سالگردش با bombay talkies که یک بنگاه پخش فیلم و موسیقی میباشد درین مورد چنین گفت: "حیدر صاحب در حالیکه دست مرا گرفته و بطرف ایستگاه راه آهن روانه بود، گفت: "بیا لتاجان که برویم، ولی بیادت باشد که یکروز فیلم- و آهنگ - سازان برای اینکه برایشان بخوانی به پاهایت خواهند افتید."

در همین گفت و شنود مطالب دلچسپ دیگر نیز گفته شد که می‌خواهم قبل از تکمیل زندگی نامه بازتاب دهم. لتا جی به پاسخ این پرسش که چرا هنرپیشه سینما یا تیاتر نشد گفت: "از همان اول از ،،میک اپ،، خوشم نمی‌آمد، درگریه و خنده خراب میشد، باید هر لحظه تازه میشد، آدم را آزار میداد." پیرامون رقابتهایش بویژه با آشا بهوسلی خواهرش، لتا جی گفت: "آشا مانند اولاد منست من با او رقابت ندارم، اما شوهرش، نمیدانم چرا، در اوایل از من خوشش نمی‌آمد. او ۱۲ سال اجازه نداد که آشا را ببینم. من آشا را دوست دارم."

لتا جی اضافه کرد: "برخی از آوازخوانان فکر میکنند که من از موزیک سازان می‌خواستم، تا پارچه های شانرا به آنها ندهند، درحالیکه این یک تصور نادرست بود. یکی از موزیک سازان به من گفت: "ما برای اینکه ساخته های ما را تو بخوانی، به آوازخوانان دیگر بهانه می‌کردیم که لتا از ما می‌خواهد که آهنگهای خود را به شما ندهیم و ما آزردگی او را نمی‌خواهیم."

زمانیکه پرسشگر نام آنها را پرسید لتا جی به این بهانه که حالا خوب نیست و دیر شده است، طفره رفت.

لتا جی دارای سه خواهر به نام های آشا منگیشکر، اوشا منگیشکر و مینا منگیشکر و یک برادر بنام هریدایانت منگیشکر میباشد. خواهر دوم پس از ازدواج، بخاطر نام شوهرش آشا بهوسلی نامیده شد. نام نخست فامیلی لتا جی "هریدایا" بود. پدرش بخاطریکه نام شهر زادگاهش در گوا، "منگیشی" بود، نام خانواده گی را به "منگیشکر" تبدیل نمود.

در پایان این بخش اولین ریکارد جهانی لتا جی را پیشکش میکنم. روشن شدن ریکاردهای دیگرش را برای بخشهای آینده میگذاریم.

لتا منگیشکر در موجودیت حریفان نامداری، چون شمشاد بیگم، نورجهان بیگم، گیتا رای (پس از ازدواج با گردوت، گیتا دت)، ثریا و زهرا بایی امبلی والی، آواز خوانی را با قبول محنت و محرومیت در سیزده ساله گی آغاز کرد. موزیک سازان در اوایل کمترین آهنگ خود را جهت اجرا به او میدادند، پس از چند سال محدود اوضاع قسمی بدل شد که کمتر موزیک سازی آهنگهای خود را به غیر از لتا جی به دیگران میدادند. لتا جی تا سال ۱۹۸۴ جمعا" سی هزار پارچه آهنگ سروده بود که این رقم در سال ۱۹۹۶ به ۴۵۰۰۰ و تا امروز به زیادتیر از پنجاه هزار آهنگ به زبانهای گوناگون مردم هندوستان رسیده است. برخی روایتهای جدید این تعداد را شصت هزار میگویند. بهر صورت لتا جی با سرودن پنجاه هزار آهنگ یا بیشتر از آن، ریکارد دار "آواز خوان دارای بیشترین آهنگ در طول تاریخ جهان" میباشد.

بخش دوم

لنا جی در آغاز فراگیری درس های موسیقی آنقدر لایق بود که بروز دوم، درس دادن به دیگرانرا شروع کرد، ولی بسیار زود مکتب را ترک گفت. گفته میشود که علت آن اجازه ندادن آشابهو سلی به همرايش به مکتب بود. او پسانتر درسهای کلاسیک هندی را نزد استاد امانت علی خان فراگرفت. لنا جی **اولین آهنگ به زبان اردو** را از فلم "آپ کی سوا می" سرود. او به همراهی آشا و نور جهان بیگم در فلم "بری ماه" در سال ۱۹۴۷ نقش ادا کرد. او در اوایل از نور جهان تقلید میکرد، ولی بسیار زود روش مستقل خود را اتخاذ نمود. لنا جی با سرود معروف "ایی گا، آنی والا" در سال ۱۹۴۸ بر پله ی نخستین شهرت پا گذاشت. این آهنگ از فلم "محل" به هروینی **مدهو بالا** هنر پیشه زیبای بالیوود بود. در ابتدا لنا جی دارای لهجه ی مهاراشترایی بود که بیش ترینه مورد ایراد **دلیپ کمار** هنر پیشه ی نامدار قرار گرفت. لنا جی با فراگیری دقیق درس های اردو از نزد معلمی بنام شفیع این کمبود را رفع کرد. بعد از فیلم محل لنا جی با سرودن آهنگ های فیلمهای "دلاری ۱۹۴۹، برسات و انداز ۱۹۴۹" بر پله های ناموری یکی پس از دیگر بالا شد.

آهنگ "برسات مین هم سی میلی تم ، تم سی میلی هم" آنقدر نام کشید که میگویند: "باری در زمان خشک سالی دهه چهل خورشیدی مارشال شاه ولی خان با سفیر هند ملاقات داشت، برایش گفته شده بود که باید حین صحبت بجواب مهمان چیزی بگوید، سفیر گفت "برسات نهی" یعنی باران نیست. مارشال صاحب چون مانند همه درباریان عالم! بود و چیز دیگر در کله نداشت و از اوضاع بیخبر، به جواب گفت: "تق دیرا دیم".

در دهه سی ام خورشیدی من دانش آموز دوره ابتدایی در لیسه حبیبیه بودم که در آنوقت در جوار پل باغ عمومی واقع بود. در سال ۱۳۳۵ من صنف چارم بودم که اتفاقاً درس خانه ما در جوار سرک ودر مقابل چایخانه ی پشتون که بنام "کافی پشتون" یاد میشد قرار داشت.

مجریان چایخانه برای جلب مشتریان ریکاردهای هندی (در آنوقت CD و کست نبود) عمدتاً از لنا جی را با آواز بلند در گراموفون ها میگذاشتند که اسباب خشم آموزگاران را بار میآورد. درین زمان معلم تا ریخ وفا رسی دری ما ستار خان با قد بلند و شکم کمی برآمده، معلم قرائت، قاری غلام محمد خان که لباس سیاه میپوشید و با لگد به بند پای میزد، معلم ریاضی، ناصر خان که دارای انگشتان دراز بود و سر معلم ما یعقوب خان نام داشت. همه این ها (قصد) مسؤلین کافی پشتون را که با آواز

موسیقی درس شانرا اخلاص می‌کردند از شاگردان عاجز و تنبل (میکشیدند)، ولی نباید فراموش کرد که شنیدن آواز لتاجی نه تنها که درس‌ها را اخلاص نمی‌کرد، بلکه آنرا ذهن نشین هم می‌ساخت.

پیش از آنکه به خاطرهٔ دوم بپردازم، **ریکارڈ دوم لتاجی** را برایتان روشن می‌سازم: لتاجی در تاریخ موسیقی هندوستان و جهان یگانه آواز خوانیست که به **بیست زبان** سرودهای دلپذیر، در بیشتر از **یک هزار و یک صد فیلم** سروده است، که در طول تاریخ تا بحال هیچ آواز خوانی به پایه‌ی آن نمی‌رسد.

====

با آمدن لتاجی به بالیوود، نور جهان بیگم به کشور نو تشکیل شده از جانب استعمارانگریز (پاکستان) رفت. ثریا، زهرابایی، شمشاد بیگم و گیتادت هم نتوانستند که با **این اعجوبه‌ی جهان هنر** دست و پنجه نرم کنند. موزیک دایرکتران معروفی چون **نوشاد، شنکر-جایکشن، سی. رامچندرا، اس. دی. برمن، سلیل چودری، غلام محمد** و دیگران همه ساخته‌هایشانرا به لتاجی جهت اجرا میدادند

هنرمندان آوازخوان مردینه مانند **طلعت محمود، مکیش، محمد رفیع، منادی** و پسانترها **مهنر کپور و کیشور کمار** همه و همه در صدد دوگانه خوانی با لتاجی بودند.

بطور موزج باید بگویم که لتاجی اینک دیگر یکه تاز میدان آواز خوانی هندوستان چه که آسیای جنوبی و تا اندازه‌ای کشور های همسایه آنها شده بود.

در همین زمانست که درمیهن ما آهنگهای نامداری چون "**چور گئی بالم، بیری آرمان سی رکها** هی بلم تیری قسم، پیار کی دنیا می یه پهلا قدم، دیر یسی آجاری انکین می نیندی آجاری آجا، کیسی نی اپنا بنا کی مجه کو مسکرانا سیکا دیا" ... و دهها آهنگ دلپذیر و دلنشین دیگر، نتنها بر زبان هنر مندانشین و خراباتی که بر زبان اکثر جوانان شهرنشین افتاده بود. در کشور ما نسبت کمی و نبود وسایل تفریح و ساعت تیری، مردم، بویژه جوانان، بیش ترینه به سینما که در بست در اختیار فلم های هندی بود رو می‌آوردند. در چاپخانه ها جوانان همیشه آهنگهای هندی و بیشترین سروده های لتاجی را فرمایش میدادند. بیاد دارم که در مزار (ولایت بلخ) یکنفر چاپخانه دار که صمد سر خوش نام داشت، از آهنگ "**چه کنم چه کنم**" که آنرا لتاجی

برای فیلم "**کالی توپی لال رومال**" (کلاه سیاه، دستمال سرخ) سروده بود و او برای بار اول ریکارڈ آنرا به مزار آورده بود، آنقدر پول پیدا کرد که یک چاپخانه ی دیگر هم خرید. یک جوان عاشق پیشه که مهدی نام داشت هر روز به چاپخانهٔ پامیر می‌آمد و آهنگ لتاجی از فیلم "**پتیتا**" را فرمایش

میداد. از بس او این آهنگ را دوست داشت و فرمایش میداد، همه او را مهدی پتیتاً صدا میکردند و او ازین نام برخوردار میباید. اینک آن آهنگ را با برگردان دری آن پیشکش میکنم:

کیسی نی اپنا بنا کی مجه کو، مسکرانا سیکها دیا (کسی مرا از آن خود ساخت و بمن خندیدن
آموخت)

آندھیری گھر مین کیسی نی هس کر چراغ و جیسی جلا دیا (در کلبه ای تاریک من کسی با خنده
خود چراغ افروخت)

شرم کی ماری مین کج نه بهولی نظر نی پردا گیرا دیا (من از شرم چیزی نگفتم، پرده ی شرم
روی چشمانم فرود آمده بود)

مگر او سب کهج سمهچ گئی هی، که دل بهی مین نی گوا دیا (ولی او به همه رازهای دلم پی برده
و این را دلم گواهی میدهد)

نه پیار و دیکا نه پیارو جانا، سنهی تهی لیکن کهاتیا (نه عشق را دیده بودم و نه از عشق چیزی
میدانستم، من تنها قصه های آنرا شنیده بودم)

جو خواب و راتو مین بهی نه آیا، وو مجه کو دن می دیکا دیا (چیزی را که در شب و در رویا ها
ندیده بودم او به من در روز روشن نشان داد)

وو رنگ و بهر تی هین زندگی مین، بدل رها هین میرا جهان (او زنده گی مرا رنگین و زیبا ساخته
و دنیای مرا مبدل به بهشت نمود)

آهنگ ساز این پارچه شنکر- جایکشن (اینها دو برادر بودند که جایکشن در پهلوی آهنگ سازی،
طلبه هم مینواخت) و شعر این پارچه از "حسرت جای پوری" میباشد. خالی از دلچسپی نیست که
بدانید: در اردو پتیتا به معنای طفل نا مشروع (حرامی) است، و مهدی جان هنگامیکه به معنای
لقب خود پی برد با آن حساسیت پیدا کرده و پس از آن کسی حق نداشت که او را به این نام صدا کند.

آواز لتا جی در جمع و جوش و بیروبار شیریخ فروشی های جاده مندوی، پل باغ عمومی، میرویس
میدان و شهرنو در تابلستان و رستورانها در زمستان، نقش اساسی داشت.

=====

لتا جی در دهه پنجاه و شصت سده ی گذشته ی ترسایبی با موزیک سازی **نوشاد** و هنرپیشه گی

دلپ **کمار** آهنگهای فیلم آورن کتولا، ۱۹۵۲ بیجو بورا ۱۹۵۳، مغول اعظم ۱۹۶۰، کوه نور ۱۹۶۰

- با موزیک اس. د. برمن و هنرمندی **دلپ کمار** آهنگ های فیلم "دیوداس ۱۹۵۵ - با موزیک **سلیل چودری** و هنرمندی **دلپ کمار** آهنگ های فلم مدهو متی سال ۱۹۵۸ را پیروز مندانه سرود که شهره ی آفاق گردید و آهنگ **اجاری، پردیسی** - اولین جایزه ی "فیلم فیر" را ربود. همچنان آهنگهای فیلم آه ۱۹۵۲، آگ ۱۹۵۳ - شری ۴۲۰ ۱۹۵۵ - چوری چوری ۱۹۵۶ به هنرمندی **راج کپور** و موزیک از **شنکر- جایکشن** لتا جی را در دلها جاداد. لتا جی برای هنر پیشه ی نامدار **مینا کماری** در فیلم "دل اپنا آور پریت پرابی" به آهنگ سازی **شنکر- جایکشن** و فیلم "پاکیزه" به آهنگ سازی **غلام محمد**، سرود های مانده گاری اجرا نموده است.

سرود میهنی ((ای میری وطن کی لوگو ، زرا اک مین بهر دو یانی...)) .
در زمان تجاوز چین بر هند به تاریخ ۲۷ جون سال ۱۹۶۳ سروده شده است.
زمانیکه بزرگمرد تاریخ معاصر هند جواهر لال نهرو، رهبر آنزمان هندوستان، این آهنگ لتا جی را شنید اشک از چشمانش جاری گردید. شعر این سرود میهنی از پردیپ و آهنگش از سی. رامچندرا میباشد.

=====

لتا جی طی این سالها علاوه از آواز خوانی به زبانهای گوناگون سرزمین افسانوی بهارت (هند) در دیگر گستره های هنری نیز استعداد خود را آزمود.
در سال ۱۹۵۵ موزیک آهنگ های فیلم مرا تهی بنام "رام رام پھون" را ساخت و پسانتر (سالهای ۶۳ - ۶۵ - ۶۹) برای سه فیلم دیگر مرانهی نیز **موزیک ساخت**. همچنان او در همین سالها تولید **(پرودیوسری)** یک فیلم هندی و سه فلم مرا تهی را نیز به گردن گرفت و انجام داد.

+++++

در هفته ی آینده، **در فرجامین بخش** این نوشته، به عشق نا فرجام لتا جی، ریکارد های دیگرش، جوایزش و آخرین کارهایش خواهم پرداخت.

بخش سوم و اخیر

لنا جی هنگام گفت و گو با رسانه های گروهی از یگانه پرسشی که طفره می‌رود و هیچ خوشش نمی‌آید پرسش در مورد عشق و ازدواج است. از همین رو در نوشته ها، در روزنامه ها، هفته نامه ها و ماهنامه ها بیکه پیرامون زنده گی و هنر او نوشته شده است از آن دو گستره کمتر یاد شده و گر شده هم بسیار نا بسنده می‌باشد.

من در پهلوی معلومات دست داشته ام با استفاده از مجله نامدار ((شمع دلهی نو)) که در بین افغانها بنام "شمع دلهی" شهرت دارد، برای پرداختن به این گستره ی مهم و مورد دلچسپی همه سود برده ام. این مجله در برخی از شماره های دهه ی شصت زایشی ترسایبی سده ی گذشته پیرامون عشق و ازدواج لنا جی جسته و گریخته مطالبی را به نشر رسانیده که لب و لباب آن چنین است:

پیش از آنکه لنا جی بمتابه آواز خوان فیلمهای بالیوود برگزیده شود، طوریکه در بخش پیشتر نوشتیم، بالیوود دارای آواز خوانان نامداری و در آنجمله طلعت محمود که بنام هنرمند **ابریشمین آواز** شهرت داشت، از محبوبیت زیادی برخوردار بود. لتاجی خودش بارها گفته بود که به صدای نامبرده نسبت به دیگر آواز خوانان علاقه ی بیشتر دارد، و پس از آنکه اولین آهنگ های دوگانه با نامبرده اجرا کرد و از نزدیک با وی آشنا شد، آهسته آهسته این علاقمندی به عشق سوزانی تبدیل گردید، که سوگمندان این عشق یکجانبه بود و طلعت محمود در حالیکه دارای زن و فرزند بود ازین عشق بیخبر و با لنا جی تنها بمتابه یک هنرمند همکار برخورد میکرد. این بیخبری که بی توجهی نا آگاهانه را به همراه داشت **عشق یکجانبه ی لنا جی** را شعله ورتتر میساخت.

اسباب نزدیکی بیشتر لتاجی با طلعت محمود همانا شونتنگ فیلمهای ((داغ و ترانه)) با شرکت دلیپ کمار که نقشهای مقابلش را مدهوبالا و نیمی ایفا کرده اند و آهنگهای این فیلم ها را به گونه یکه و دوگانه لتا جی و طلعت محمود اجرا کرده اند، شده بود.

با گذشت هر روز، لتا جی بیشتر در آتش این عشق میسوخت و چون معشوق را بی توجه میدید در پهلوی آنکه گرویده تر میشد، خشم زنانه اش نیز اوج میگرفت، ((به نظر من خطر ناک ترین خشم و کینه ی زن، خشمش در عشق است)). لتا جی با وجود آنکه به سر حد جنون طلعت محمود را دوست داشت، از غرور و عزت نفس برای یکبار هم به مقابل او ازین عشق آتشین پرده بلند نکرد، ولی چون بی توجهی طرف مقابل ادامه یافت، آرام آرام شعله های کینه و انتقام در قلبش در حال اوج گیری بود.

اولین نشانه های این خشم در گستره ی کار آوازخوانی نمودار شد، به این معنا که لتا جی که اینک، محبوب ترین و در عین حال با نفوذ ترین شخص درین گستره بود، به مخالفت ها و بهانه گیری های ضد ط. محمود آغاز نموده و از دوگانه خوانی با وی امتناع نمود. ط. محمود که اینک آرام آرام به راز عشق یکجانبه ی لتا جی واقف شده بود در مرحله ی نخست خواست که با کار توضیحی و ((نصایح پدران)) این اختلاف و کینه توزی را از میان بردارد، بیخبر از آنکه این کارش نتیجه ی وارونه میدهد، به این معنا که آخرین امید های طرف مقابل را نیز نقش بر آب مینماید و به واکنش بسیار شدید تر روبرو میشود.

لتا جی اینک آشکارا به تمام موزیک سازان خبر میدهد: "هر کس که برای ط. محمود آهنگ بسازد، او ساخته های آن موزیسین را اجرا نخواهد کرد". و این به مثابه پایان کار هنری ط. محمود بود، زیرا هرگاه لتا جی با کسی خشم کند، بازار آنکس دیگر کساد است، و هیچکس حاضر نیست که کار و روزی خود را به خاطر ط. محمود با خطر روبرو سازد.

پس ازین کار دشمنانه ی لتا جی روز گار ط. محمود تار و زندگی اش خوار گردید. همان آواز خوان حنجره ابریشمین که یک زمانی آهنگ هایش سر زبانها بود اینک دیگر نه تنها که خریدار نداشت، بلکه کسی ازو یاد هم نمیکرد. سرودگر آهنگ های:

((بی هوا بی رات و بی چاندنی))، ((دل نادان تجهی هو وا کیا هی))، ((میل تهی هین آکی دل هوا دیوانا کسی کا))، ((بی چین و نظر بیتاب وجیگر)) و ... اینک آواره سرکها، بیکار و بی روزگار شده بود. برای خاطرہ داران، آهنگ ((بی هوا بی راتو ...)) را با بر گردان آن پیشکش میکنم:

بی هوا بی رات و بی چاندنی، تیری ایک ادا پی نثار و هی ----
این هوا این شب زیبا و ماه آسمان همه فدای یک نگاه توست
مجھی کیو نه هو تیری آرزو، تیری جستو جو می بهار و هی ----
من چگونه میتوانم که ترا آرزو نکنم، چراکه جستجوی تو بهار آفرین است
تجهی کیا خبر هی او بی خبر، تیری ایک نظر من هین کیا اثر ----
ای بیخبر از حال من، تو چه میدانی که در یک نگاه تو چه تاثیر ژرفی نهفته است
جو غضب من آبی و قهر و هی، جو هو مهربان و قرار و هی ----
با یک اخم تو دل آزرده است و زمانیکه مهربان باشی یکسره آرام است
تیری بات و باتو هین دلنشین، کوئی تجه سی بر کی نهین حسین ----
هر حرف و گپ تو دلنشین است و کسی زیباتر از تو در جهان نیست
هین کلی کلی مین جو مستیان تیری اک و کایی خمار و هی ----
زیبایی و مستی ایکه در هر برگ گل وجود دارد باز تاب خمار چشمان توست

با گذشت هر روز و هر شب حالت ط. محمود بد و بدتر شده میرفت، مساله بجایی رسید که همکاران و دوستان، دیگر دست از بهبودی محمود شستند و او را در حال فراموش کردن بودند. درین میان دوستان نامداری چون دلپ کمار، محمد رفیع، ک. آصف (کارگردان نامدار) و دیگران پا پیش گذاشته و به میانجیگری پرداختند. پس از کوشش های زیاد آنها توانستند که لتا جی را نرم ساخته و از تحریمش منصرف سازند،

واما اینک خود ط. محمود حاضر نبود که کنار بیاید. او میگفت که چون من فدای یک دشمنی بیهوده و بی دلیل شده ام، باید لتا جی از من معذرت بخواهد و اولین آهنگیکه من اجرا میکنم باید با لتا منگیشکر باشد. هنگامیکه این خواست ها به لتا جی رسید او با خشم آنها را رد نمود.

میانجیگران با مشکل بزرگی روبرو بودند و هر قدر میکوشیدند، نمیتوانستند آنها را از خواست هایشان منصرف سازند. میگویند که کار به جاهای باریک یعنی مقامات بالایی دولت کشانیده شد. در نتیجه مداخله آن مقامات یک فیصله میانگین به عمل آمد و آن اینکه:

ط. محمود از درخواستش مبنی بر عذر خواهی منصرف شود و لتا جی همرا با ط. محمود اولین آهنگش را به شکل دوگانه اجرا نماید.

پس از بگو و بشنوی فرآوان هر دو جانب این قرار را پذیرفتند و اولین آهنگی را که طلعت محمود پس از سالها دوری از دنیای هنر آواز خوانی بالیوود سرود

همرا با لتا منگیشکر در فیلم ((روپ کی رانی - چورو کا راجا))

(شهبانوی زیبا روی و پادشاه دزدان) با این مطلع ((تم روپ کی رانی مین چورو کا راجا -- تیرا میرا پیار و نیرالا)) بود. ولی سوگمنده که این دیگر آن آواز ملکوتی و ابریشمین نبود، و فشار جفا ها و کینه توزی ها آنرا در هم فشرده بود.

نمود های بیرونی (ظواهر امر) نشان میداد که لتا جی نیز دیگر آن عاشق سینه چاک دیروزی نبود؟! ولی یک چیزیکه روشن بود ((شرنگ)) دایمی صدای اوست

که تا سالهای دراز دوام نمود و ((داشت داد)) و دارای هوا خواهان و دوست داران بسیار بود و است. و پس از پایان عشق نا فرجام نیز دل انگیز سرود، قشنگ سرود و جاودانه های نوین آفرید.

ولی ستاره ی شهرت و اقبال طلعت محمود پس از

چند صبحی افول کرد و نامبرده در کنج گمنامی و عزلت غنوده و با زنده گی پدرودگفت.

بیشتر سخن از دوگانه خوانیهای لتا جی آمد. باید گفت که دوگانه های او همه دلپسندند، ولی آهنگ ((اجاری اب میرا دل پکاری - رورو کی غم بی هاری)) با مکیش، که احمد ولی آنرا کاپی کرده است.

آهنگ ((دل تیرا، دیوانا هی صنم - جانتھی هون تم، کچ نا کهینگی هم - محبت کی قسم)) با محمد رفیع که ((کرچ)) بسیار بالا داشت و جلیل جان مسحور جمال آنرا نیکو کاپی کرده بود. و دوگانه های فراوان دیگر که با همه آواز خوانان مردینه سروده است.

پیرامون ازدواج و یا کدام عشق دیگر لتا جی پس از پژوهش و کاوش زیاد همینقدر یافتیم که: لتاجی در پایان دهه ی هفتاد و اوایل دهه ی هشتاد با اولاد های آهنگ سازان سابق به همکاری پرداخت که آنها عبارت بودند از راجیش روشن پسر روشن، انو مالک پسر سردار ملک، آند میلند - پسر چندرا گوپتا و ار. دی. برمن پسر اس. دی. برمن. در پایان همین بخش اینقدر زیاد شده بود: ((ار. دی. برمن که برادر شوهر آینده اش میشود)) و از آن چنین بر میآید که لتا جی گویا با پسر اس. دی. برمن ازدواج کرده باشد. ولی هر قدر کاویدیم و پالیدیم از چگونگی این ازدواج، ثمرات آن، دوام و عدم دوام آن و نام این شخص چیزی نیافتیم. به گمان من که این پیوند شاید در زمان نامزدی از هم پاشیده باشد.

لتاجی در دهه ی هشتاد کار های خود را محدود ساخته و تنها با ((یاش راج)) که بنگاه فیلم سازی اش بنام ((راج شری پرودکشن)) یاد میشود همکاری کرده و ساخته های آهنگ سازان جوان مانند ((شیوهاری، رام لکشمی و ای. ار. رحمان)) را بیشترین میسرود. در دهه ی نود و آغاز سده بیست و یک با ((یاش چوپرا)) و بنگاه ((یاش راج فیلم)) آهنگ های فیلم های ((چاندنی ۱۹۸۹ -- لمهی ۱۹۹۰ -- daar

۱۹۹۳ -- بی دل لگی ۱۹۹۵ -- دل تو پاگل هی ۱۹۹۷ -- محبتی ۲۰۰۰ -- مجسی
دوستی کروگی ۲۰۰۲ -- ویر زارا ۲۰۰۴)) را سروده است.

همچنان او درین اواخر یک آلبوم را که همه غزل های غیر فیلمی بوده و در آن غزل
سرای نامور ((جگجیت سنگه)) او را همراهی کرده، به هواخواهان آواز خود پیش کش
نموده است.

در فرجام این نوشته، پیش از آنکه از دو ریکارد دیگر جهانی لتا جی یاد آور شوم
سخنان ((شاهرخ خان)) شهنشاه فعلی بالیوود را که هنگام شرکت در یکی از کنسرت
های لتا جی در اواخر سده ی گذشته گفته بود، نقل میکنم: ((ای کاش من هیرویین
میبودم تا میتوانستم آهنگ های سروده شده ی لتا جی را -- لبسنگ -- کنم))

لتا جی در درازنای هنر آواز خوانی بیشتر از هر هنر پیشه ی دیگر کاندید جوایز و مدال
های هنری گردیده و جوایز زیادی را از آن خود ساخته است، درسالهای پسین برای
اینکه هنرمندان جوان بتوانند جایزه به دست آورند، خود را به جوایز کاندید
نمیکرد. بزرگترین وبا ارزش ترین جایزه اش ((بهارتیا رهندا)) میباشد که بالاترین جایزه
ی ملکی در هند به شمار میرود.

لتاجی دارای دو ریکارد دیگر جهانی نیز میباشد، نخست آنکه نامبرده شصت و چهار و
به روایت دیگر شصت و شش سال پیهم و بی ایست (بلا وقفه) آواز
خوانده و مردم باعلاقه مندی به این آواز ها گوش داده اند. دو دیگر اینکه لتا جی برای دو
نسل هیرویین های فلم های هندی آواز خوانده، ((از نرگس، مدهوبالا، مینا کماری و
ویجینتی مالا، در آنطرف شصت سال گرفته تا مدهوری دکست،
کرشما کپور، آشواریا رای، کجول و پریتی زینتا درین طرف شصت سال، سروده و
ایندو نسل سروده هایشرا لبسنگ کرده اند که سرودن برای مادر و دختر ((تنوجا و
کجول، مادر و دختر هیرویین)) در دنیا مانند ندارد.



تنوجا



کجول

لتا جی برای این مادر و دختر با فاصله پنجاه سال آهنگ سروده است. برای تنوجا در سال ۱۹۶۳ در فیلم ((راج کمار)) با این آغاز (مطلع) ((آجا آیی بهار -- دل هی بیقرار -- او میری راج کمار -- تیری بین رها نه جایی)) با آهنگ سازی، شنکر جایکشن، و برای کجول در سال ۲۰۰۲ در فیلم ((دل والی دلهنیا لی جاینگی)) با این آغاز ((مهندی لگا کی رکنا - دولی سجا کی رکنا)) با آهنگ سازی جاتین لالیت سروده است، که در طول تاریخ هنر آواز خوانی این اصل بی سابقه بوده و این را نیز میتوان یک ریکارد به حساب آورد.

لتا منگیشکر در ۲۷ جون ۲۰۰۷ آلبوم تازه ی غزل هایش را که اشعارش از جاوید اختر است به بازار کشید.

به عنوان پایان نیکو (حسن اختتام) باید بگویم که لتا جی هیچ آهنگ ساخته ی o.p .nyar. آهنگ ساز نامدار را نه سروده، و آهنگ های نامبرده را خواهرش اشا بهوسلی و گیتا رای سروده اند.

== پایان ==